

تبیین اثر تجربه زیسته بر عملکرد قلمرویی ساکنین در قلمرو ثانویه افراد (از نگاه متخصصین)*

سمانه حسین آبادی^{۱*} - شهرام پوردیهیمی^۲ - بهرام صالح صدق پور^۳

۱. دکترای معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۱۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۱۰

چکیده

«قلمرو» یکی از ضروری‌ترین نیازهای «فطری» انسان در غالب محیط‌های کالبدی به‌خصوص محیط‌های مسکونی به‌شمار می‌رود که توجه به آن مقیاس انسانی محیط و در نتیجه کیفیت محیط‌های مصنوع را ارتقا می‌دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در موقعیت‌های یکسان، افراد برابر قلمروی ثانویه خود، به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کنند. لذا مقاله حاضر به دنبال یافتن علت تمایز میان عملکرد قلمرویی ساکنین یک محیط مسکونی می‌باشد. با فرض آن که محتوای ذهنی متأثر از تجربه زیسته انسان‌ها، عامل عملکرد متفاوت افراد در شرایط مشابه باشد، تمرکز این مقاله بر کشف شیوه‌ی اثرگذاری «تجربه زیسته» افراد در تشخیص قلمرو ثانویه آن‌ها می‌باشد. در همین راستا با رویکردی اکتشافی از روش تحقیق «دلفی» بهره برده و در قالب مصاحبه‌های باز، ۱۰ متخصص در زمینه پژوهش را با موضوع بیان دیدگاه خود در رابطه با قلمروی ثانویه مورد سوال قرار داده و پس از دو نوبت کدگذاری باز و محوری، خروجی نهایی در قالب جدول «هدف-محتوا» ارائه شد. سپس براساس جدول مذکور، پرسش‌نامه‌ای با تعداد ۱۸۵ سوال طرح گردید و ۲۱ تن از متخصصین این حوزه مورد سوال قرار گرفت. برای انتخاب متخصصین از روش «گلوله‌برفی» تا ایجاد اشباع نظری استفاده گردید. پاسخ مصاحبه‌شوندگان با استفاده از نرم‌افزار SPSS و دستی، مورد تحلیل قرار گرفت. سپس برای اطمینان از صحت نتایج حاصله، پرسش‌نامه دوم را براساس ۵۶ سوال مشترک پاسخ‌دهندگان تهیه کرده و مجدد همان جامعه آماری مورد سوال قرار داده شد. نتیجه مشابه میان دو مرحله، موکد صحت نتایج حاصله در روند تحقیق بود. بدین ترتیب در مواجهه افراد با قلمرو خویش و ارتباط عملکرد قلمرویی آن‌ها با تجربه زیسته خود، شش رویکرد اصلی تشخیص داده شد که عبارتند از: نقش مالکیت بر هویت، نقش ادراک راحتی بر کنترل محیط، نقش کنترل بیرونی بر امنیت، نقش هویت بر مالکیت، نقش ادراک راحتی بر ماندگاری در محیط، نقش کنترل درونی بر امنیت.

واژگان کلیدی: عملکرد قلمرویی، قلمرو ثانویه، شناخت، تجربه زیسته.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «قلمرو و محیط مسکونی» می‌باشد که با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در سال ۱۴۰۲ صورت گرفته است.

** E-mail: hosseinabadi.1390@gmail.com

۱. مقدمه

انسان همواره از محیط زندگی خود، انتظارات و توقعاتی در ذهن دارد که مطابق با نیازهای در طول حیات او بوده و «ارزیابی فرد از میزان پاسخگویی محیط، تحت تاثیر ارزش‌های شکل‌گرفته در ذهن شخص می‌باشد» (Purdeihimi, 2015). بنابراین هرچه‌قدر پاسخگویی محیط به نیازهای فرد انطباق بیشتری با ارزش‌های ذهنی او داشته باشد، میزان رضایت شخص از محیط بالاتر خواهد رفت. در ادوار مختلف محققان برای نیازهای انسانی دسته‌بندی‌های مختلفی انجام داده‌اند که شاخص‌ترین آن‌ها را می‌توان تقسیم نیازها به دو دسته کلی نیازهای اولیه یا عملکردی و نیازهای ثانویه و متعالی در نظر گرفت (Ekhtiari 2012; Herzberg 1968; Davis 1972; Doyal and Gough 1991). گروه اول که در دوران مدرن، مرکز توجه معماران قرار گرفت، انسان تک‌بعدی و محدود به کالبد را مفروض خود قرار داد و با تکیه بر فیزیک مشابه انسان‌ها، کلیه نیازهای افراد در سرتاسر جهان را یکسان تلقی کرده و پاسخ معمارانه خود را با رنگ‌وبوی صرفاً فیزیکی ارائه داد (Le Corbusier 1986; Le Corbusier 1994; Lang 1994). در نتیجه ماهیت ذاتی و نیازهای حقیقی انسان مورد غفلت واقع شد. در این میان شناخت همه‌جانبه انسان در قالب «علوم انسانی» در دهه ۱۹۶۰ یونگ^۱ مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت^۲، لذا برخورد با نیازهای انسانی از قالب صرفاً عملکردی خارج شد. از آن‌جا که غالب انسان‌ها بیش‌ترین زمان زندگی خود را در محیط‌های مسکونی سپری می‌کنند لذا ارتقا کیفیت آن‌ها، در سایه توجه به هر دو بعد عملکردی و متعالی نیازها، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این راستا «توجه به مفهوم قلمرو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسانی که قابلیت اثرگذاری مستقیم بر کیفیت محیط را دارد، امری ضروری به‌نظر می‌رسد» (Sharifipour 2017). توجه به «وجه ذهنی» قلمروی انسانی، سبب می‌شود که پژوهشگران از مقیاس‌های مختلف قلمرو، نظیر قلمرو اولیه، ثانویه و موقت سخن به‌میان آورده (Altman 1975; Hall 1966; Sommer 1969) و در حالی که «عملکرد قلمرویی انسان‌ها را دارای سه بخش اصلی شناخت، رفتار و نشانه‌گذاری می‌دانند» (Taylor 1988)، لازمی بهره‌بردن فرد از مزایای قلمرو را شناخت قلمرو به‌ویژه قلمروی ثانویه در نظر بگیرند. چنین قلمروی اشتراکی در یک محیط مسکونی که مستقیماً مالکیت ذهنی افراد را نشانه می‌گیرد، می‌تواند زمینه‌ساز برداشتهای متفاوت ساکنین از حدود و مرزهای قلمرو خود شود. بنابراین تسهیل مسئله «قلمرویی» توسط ساکنین در طراحی محیط‌های مسکونی امری ضروری تلقی می‌شود. لذا این مقاله در تلاش برای پاسخ به سوالات زیر شکل‌گرفته است: عوامل موثر بر شکل‌گیری «معنا» و «تصویر ذهنی» فرد

از قلمرو ثانویه خود کدام است؟

- چگونه می‌توان «قلمرویی ثانویه» افراد در محلات مسکونی را تقویت کرد؟

۲. طرح مساله

در سال‌های اخیر، تغییر و دگرگونی در محلات و فضاهای شهری با رشد چشمگیری در حال شکل گرفتن است. این دگرگونی سریع منجر به نابرابری اجتماعی، کاهش حس خوانایی، عدم کنترل فضایی، کم‌رنگ شدن مکانیسم‌های کنترل مرزی و در نتیجه افزایش تهدیدات امنیتی و کاهش پایداری اجتماعی محیط شده است. در همین راستا، فرآیندهای بازسازی محلات برای پاسخگویی به تقاضاهای در حال تغییر ساکنان، الگوی توسعه محیط مسکونی شهری و در نتیجه عملکرد قلمرویی در مقیاس فضای مسکونی را نیز به‌طور قابل توجهی دگرگون ساخته است.

بنابراین در حالی که تأمین سرپناه، مکان برقراری ارتباطات؛ محل شکل‌گیری معنا و تأمین امکانات تفریحی را می‌توان از جمله کارکردهایی که یک محیط مسکونی تعریف نمود (Rofe 1995)، بسیاری از فضاهای خدماتی موجود در خیابان به‌عنوان امتداد واحد مسکونی عمل کرده و به ارضای این عملکردها کمک می‌نمایند.

به‌گفته پورتنوس (Porteous 1971) افزایش جمعیت در قرن بیستم به همراه ظهور انفجارگونه تکنولوژی و تغییرات سیاسی سبب شده است که محلات سنتی اغلب تحت فشار تحول شهری قرار گیرند. در همین زمینه ثقة‌الاسلامی و همکارانش (Saghatoleslami, Hoseinian, and Behnami Fars 2014) تغییرات صورت‌گرفته در ساختار فیزیکی محلات در ایران را زمینه‌ساز تبدیل محله متمرکز به واحدهای غیرمتمرکز می‌داند. از این‌رو محلات سنتی جای خود را به زیرمجموعه‌های جزیره‌ای و مناطق مسکونی مبتنی بر تفکیک اقتصادی واگذار کرده است که اصول اساسی پایداری را به‌خاطر پیشرفت اقتصادی نادیده می‌گیرد. در این میان تحول در الگو توسعه محلات مسکونی، زمینه بروز تغییرات در عملکرد قلمرویی ساکنان شهری را فراهم آورده است. در این راستا هال (Hall 1969) تأثیر تغییر الگوهای طراحی محلات مسکونی بر قلمرو را در بسیاری از موارد، همراه با بی‌توجهی به فضای شخصی و قلمرو، ادراک ازدحام و مواجهه با خروجی‌های عاطفی بیش از حد استرس‌زا می‌داند.

در این میان در حالی که نیازهای انسانی نیز نسبت به گذشته بسیار پیچیده‌تر و گسترده‌تر از آنی شده است که در یک قلمرو واحد برآورده شود، ساکنان شهرها نیز برای تأمین نیازهای خود تنها به محیط مسکونی خویش وابسته نبوده و با توجه به پیشرفت‌های صورت‌گرفته در حوزه فناوری ارتباطات و امکانات جابه‌جایی شهری، از مناطق متعدد شهری در تأمین نیازهای خود استفاده نمایند، با

به بررسی مفهوم قلمرو به‌عنوان یکی از نیازهای ضروری انسان پرداخته، سپس ضمن تشریح عملکرد قلمرویی با استفاده از پژوهش دلفی، به کشف شاخص‌ها و عوامل اصلی در شناخت قلمروی ثانویه ساکنین خواهیم پرداخت.

۲-۱- قلمرو به‌عنوان نیاز ضروری انسانی

«از آن‌جا که هدف از طراحی معماری به‌وجود آوردن شرایط مطلوب در محیط‌های رفتاری انسان است و رفتارها معمولاً به‌دنبال یک نیاز شکل‌می‌گیرند؛ لذا محیط زندگی انسان، باید در ارتباط با نیازها و سازوکارهای دستیابی به آن‌ها باشد» (Purdeihimi 2015). واژه «نیاز» و ایده آن، ابتدا در مباحث روان‌شناسی اوایل دهه ۱۹۳۰ به‌کار گرفته شد (Deci et al. 1980, 228)؛ و منظور از آن متغیری بود که رفتار خاصی را در فرد برانگیخته (Ekhtiari 2012) و عملکرد مطلوب‌تر او را به‌همراه دارد (Faziul Haque et al. 2014). در حالی‌که عمدتاً از نیاز به‌عنوان کمبود چیزی در زندگی انسان یاد شده است، در نیمه دوم قرن بیستم و همزمان با انتشار نظریات یونگ و اشاره او به بعد ذهنی انسان، جنبه‌های غیرمادی نیازهای فرد مورد توجه متخصصین قرار گرفت. چنان‌که در این دوره نیازها به دو دسته «زیستی» یا «احتیاجات بنیادین فیزیولوژی» یعنی اجتناب از محرومیت و «انسانی» یا «احتیاجات اجتماعی و روانی» تقسیم (Davis 1972, 22; Herzberg 1968) و مدل‌های مختلفی از نیازهای انسانی مطرح شد که در این میان مدل پیشنهادی مازلو^۱ در درک رفتار انسان، همچنان به‌عنوان اثرگذارترین مدل مطرح می‌باشد (Anburaj Balraj 2017; Crandall et al. 2020; Lussier 2019). بر اساس این مدل فرد از طریق تعامل با محیط و تغییر در قابلیت‌های آن، برای ارضاء نیازهایی که از بدو تولد همراه او می‌باشد، تلاش می‌کند (Taormina et al. 2013). مازلو از دو گروه اصلی نیازهای انسانی یعنی «غریزی» و «فطری» یاد نموده (Huitt 2007) و آن‌ها را به پنج سطح مختلف دسته‌بندی می‌نماید، که با تامین آن‌ها، «نیازهای عمدتاً غریزی افراد برآورده می‌شود» (شکل ۱) (Mullins 2007, 258).

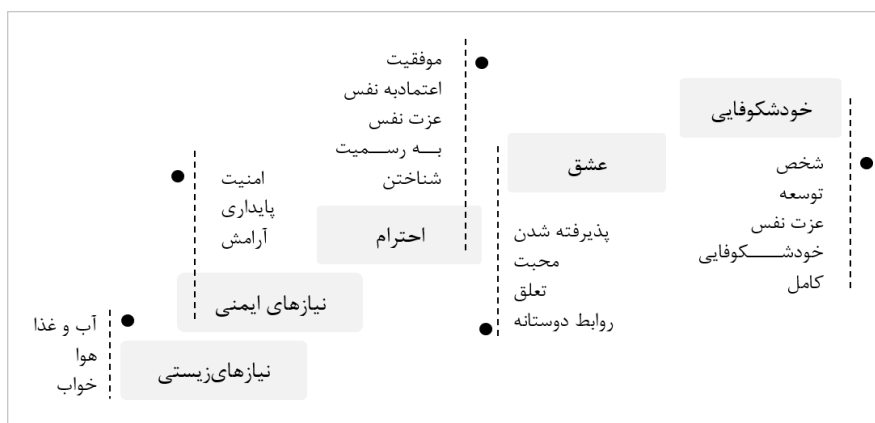
این وجود محیط اطراف خانه هنوز جایگاه مشخصی در زندگی روزمره ساکنین دارد. از این‌رو حتی اگر مردم برای تامین نیازها به منطقه مسکونی خود وابسته نیستند، اما هنوز هم به اهمیت منطقه مسکونی خود در ارتقا کیفیت زندگی اعتقاد دارند (Banerjee and Baer 1984).

الگوهای جدید توسعه شهری، حوزه‌های قلمرویی را بدون در نظر گرفتن مقیاس انسانی یا نیازهای قلمرویی فرد ترسیم نموده است. این تحولات به ترکیبی از خانه‌های خصوصی منتهی شده است که هیچ محدوده‌ای به‌عنوان حد واسط خود با مالکیت عمومی ندارد. در این صورت فرد به محض خروج از در ورودی خانه، وارد حوزه عمومی می‌شود (Castell 2010, 7)؛ این مسئله به فرسایش حوزه نیمه‌عمومی که همواره مورد توجه برنامه‌ریزان شهری نظیر جیکوبز (Jacobs 2007)، گل (Gehl 2016) و مدنی‌پور (Madanipour 2016) بوده است، منتهی می‌شود.

بنابراین فرآیند تحول در ساختار محلات مسکونی، حس داشتن قلمرو، عملکرد قلمرویی ساکنان شهری و در نهایت کیفیت زندگی در دوران اخیر را تغییر داده است. از این‌رو می‌توان ادعا کرد که توسعه‌های اخیر در حوزه محیط مسکونی برای ساکنین با عدم ادراک قلمرو در محیط زندگی و همسایگی خود همراه می‌باشد. این مسئله درحالیست که تصاحب مناطق نزدیک به خانه توسط ساکنان جهت ایجاد قلمروهای نیمه‌عمومی و نیمه‌خصوصی، هم برای توسعه شبکه‌های اجتماعی محلی و هم برای مسائل امنیتی ضروری می‌باشد (Castell 2010).

از این‌رو با توجه به ضرورت وجود قلمروی نیمه‌عمومی در محیط‌های مسکونی، مقاله فوق باهدف رفع معضلات ناشی از حذف «قلمرو ثانویه» در تلاش است تا به‌منظور احیا و تقویت این نوع از قلمرو در محیط‌های مسکونی، نحوه شناخت قلمروی ثانویه توسط ساکنین را بررسی نموده و ضمن مرور فرآیند قلمروییابی، به کشف و تشریح الگوها و عوامل موثر در شناخت و احیای قلمرو نیمه‌عمومی به‌عنوان مفصل قلمروی خصوصی و عمومی بپردازد. بنابراین در ابتدا با مرور منابع و ادبیات پژوهش،

شکل ۱: گراف سلسله نیازهای مازلو



(Derived from Maslow 2012)

در این میان «قلمرو» به عنوان یکی از ضروری ترین نیازهای ذهنی انسان در اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط روان‌شناسان محیطی وارد فاز مطالعات رفتاری انسان شده و رد پای آن در کلیه سطوح «نیازهای مازلو» به چشم می‌خورد (شکل ۲).

شکل ۲: دسته‌بندی کلی پیامدهای قلمرو توسط تیلور و ارتباط آن با مدل نیازهای مازلو



(Taylor 1988, 96)

این مفهوم نقش اساسی در «کیفیت زندگی» انسان داشته (جدول ۱) و این امکان را در اختیار فرد می‌گذارد که فضای اطراف خود را سازماندهی نموده و در قالب «نظم» و «هویت» فردی یا جمعی ایجادشده، نسبت به محیط احساس «تعلق» و «امنیت» نماید.

جدول ۱: ضرورت پرداختن به موضوع قلمرو از منظر پژوهشگران

صاحب‌نظر	ضرورت‌های طرح‌شده جهت پرداختن به موضوع قلمرو
پروشانسکی و همکاران (۱۹۷۰)	فرد از طریق قلمرو، «هویت» خود را تعریف و به دیگران انتقال می‌دهد.
آلتمن و هایتورن (۱۹۷۰)	قلمرو متضمن ارضای «نیازهای بیولوژیک» و «اجتماعی» بوده و «هویت شخصی» را حفظ می‌کند.
هریس و گلد (۱۹۸۰)	قلمرو بر طیف وسیعی از نیازهای اجتماعی انسان از جمله «هویت» و «خودشکوفایی» اثر می‌گذارد.
هیرشون و گلد (۱۹۸۲)	قلمرو نیازهای اجتماعی پیچیده‌ای نظیر «هویت» و «خودشکوفایی» فردی را تامین می‌کند.
سل (۱۹۸۳)	قلمرو در شکل‌گیری «هویت» مستقل فردی و جمعی ساکنین موثر می‌باشد.
	قلمرو در ایجاد سطح موردنیاز از «حریم خصوصی» موثر است.
	قلمرو فرصت لازم برای تنها بودن و در نتیجه توسعه احساس «خودشکوفایی» را در اختیار فرد می‌گذارد.

صاحب نظر	ضرورت‌های طرح‌شده جهت پرداختن به موضوع قلمرو
تیلور (۱۹۸۸)	قلمرو ضمن کاهش اضطراب در افراد، قابلیت «کنترل محیط» را افزایش می‌دهد.
اونو (۲۰۰۱)	قلمرو در محیط مسکونی، زمینه تقویت «دلبستگی به مکان»، «انسجام اجتماعی» و «بهبود سازمان فیزیکی محیط» را فراهم می‌آورد.
مارکو (۲۰۱۲)	قلمرو با پیش‌بینی الگوهای رفتاری در محیط، کاهش اضطراب در افراد را به همراه دارد.
مملوک کوبان اوغلو (۲۰۱۹)	نیاز به قلمرو به دلیل «مقررات اجتماعی» و «رضایت فردی»، تامین نیاز در محیط را تسهیل می‌کند. قلمرو در «ادراک و روابط محیطی» همچنین «دلبستگی فرد به مکان» موثر است. قلمرو سازمان‌دهنده «تعاملات اجتماعی» و عامل تقویت‌کننده «هویت» فردی می‌باشد.

۲-۲- تعریف قلمرو

قلمرو یک مفهوم کاملاً ذهنی است و لینچ آن را محصول ساخته‌ها و انگاره‌های ذهنی بشر می‌داند (Lynch 1981)؛ در عین حال پاستالان (Paştalan 1970)، هیرشون و گلد (Hirschon and Gold 1982) با اشاره به بعد فیزیکی این مفهوم، به ضرورت اشغال موقت یا دائم بخشی از محیط، در شکل‌گیری قلمرو تاکید می‌نمایند. هریس، لیپمن (Harris and Lipman 1980) و پاسی (Passi 2003) قلمرو را از جنس «فرآیندهای اجتماعی» دانسته و آن را مرکزی برای روابط محیطی انسان فرض می‌کنند. هابراکن (Habracken 2000) و آلتمن (Altman 1975) در تعریف قلمرو به «کنترل» فضا توسط یک عامل و گسترش فضایی آن عامل جهت فراهم نمودن «خلوت» لازم برای تامین هر دو بعد نیازهای انسانی تاکید می‌نماید. به نظر می‌رسد که قلمرو درون ذهن آدمی به صورت فطری بنیان نهاده شده و از نظر پژوهشگرانی نظیر اپلیارد (Appleyard 1982 et al.) و مدنی‌پور (Madanipour 2008)، عمدتاً شامل «مالکیت ذهنی» نسبت به محیط اطراف و متعلقات آن می‌باشد.

نسبت به قلمرو انسانی دو رویکرد شاخص وجود دارد، گروه اول آن را به‌عنوان یک «استعداد غریزی»، با هدف تامین نیازهای فیزیولوژیک (تنظیم تعاملات اجتماعی، جلوگیری از تهاجم و تخصیص منابع محیطی به خود) می‌دانند، لذا در این رویکرد قلمرو انسان با حیوانات «همسان» تلقی می‌شود (Van Vliet 1983). گروه دوم به دلیل فرآیندهای فرهنگی و توانایی یادگیری که امکان سازگاری انسان با محیط را فراهم و نیازهای سطح بالاتری را برای او تامین می‌کند، این تشابه را نسبی می‌دانند.

۲-۳- مقیاس‌های مختلف قلمرو

از نظر محققان در صورتی که سنجش صحیحی از تیپولوژی قلمرو صورت‌نگیرد امکان ایجاد تعارض بر مالکیت یک فضا بالا می‌رود (Brown 1987). از این‌رو تلاش‌های متعددی برای شناسایی گونه‌های مختلف قلمرو شکل گرفته است

(جدول ۲)؛ که مقیاس مورد نظر در این مقاله، عمدتاً وام‌دار نظریه آلتمن بوده و قلمروها را در چهار دسته، فضای شخصی، قلمرو اولیه، ثانویه و موقت یا عمومی تقسیم نموده و بر قلمروی ثانویه به‌عنوان قلمروی نزدیک به خانه تمرکز دارد.

۲-۴- عملکرد قلمرویی و عناصر سازنده آن

«عملکرد قلمرویی» یک سیستم اجتماعی است که از طریق آن امکان کنترل یک فضا و دفاع از آن در برابر دیگران فراهم می‌شود (Kintrea 2010). این عملکرد، مکانیسمی از تنظیم «حريم خصوصی» و تابعی از ذهن است که فرد آن را به‌منظور گشودگی یا عدم‌گشودگی در برابر تماس اجتماعی به‌کار گرفته (Altman 1975) و مستلزم شخصی‌سازی از طریق علامت‌گذاری فضا به نحوی است که فرد مالکیت خود را به دیگران منتقل نماید (شکل ۳) (Altman 1975; Harris and Lipman 1980; Gifford 1987; Brown 1987; Haron 2018). سل (Sell 1983) ویژگی‌های اصلی «ماهیت انسانی» عملکرد قلمرویی را «ابزارسازی»، «انتزاعی بودن»، «یادگیری ذاتی» و «تغییر رفتار در طول دوران زندگی» می‌داند و به دلیل اهمیت وجوه ذهنی، آن را در دسته «نیازهای فطری» قرار می‌دهد.

«عملکرد قلمرویی» در انسان به سه بخش اصلی شناخت، رفتار و نشانه‌گذاری نمادین تقسیم می‌شود (Taylor 1988). این سه بخش با یکدیگر تعامل مستقیم داشته و بهبود و پیشرفت در یک جزء سبب بهبود در شرایط دو جزء دیگر خواهد شد. فرد در مواجهه با قلمرو، ابتدا قلمروی خود یا دیگری را شناخته سپس برای نشان دادن قلمروی خود از نشانه‌های قابل درک برای دیگران استفاده خواهد کرد. این نوع نشانه‌گذاری‌ها به‌واسطه بهره‌گیری از اطلاعات ذهنی افراد با ریشه‌های نسبتاً مشترک انجام شده و ادراک معانی نمادین را برای نشانه‌گذار و مخاطب او، امکان‌پذیر می‌نماید.

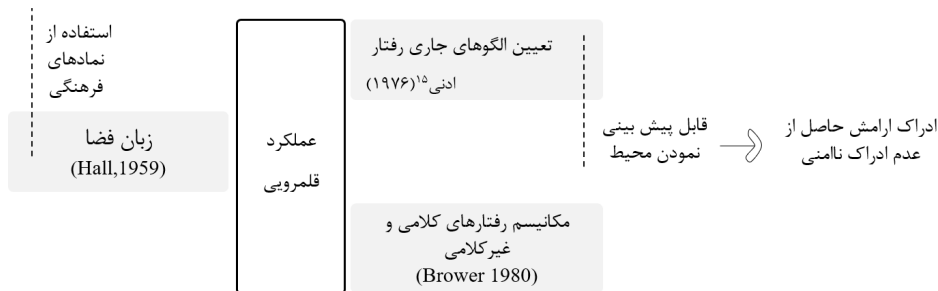
جدول ۲: مقیاس‌های مختلف قلمرو از نظر پژوهشگران

شاخص دسته‌بندی	دسته‌بندی	شاخص دسته‌بندی	دسته‌بندی
الکساندر و چرمایف (۱۹۶۶)	فضاهای عمومی گروه	گافمن ۱۹۷۱	قلمرو ثابت (از نظر جغرافیایی مانند حیاط)
عرصه‌بندی محیط	فضاهای خصوصی گروه	سازماندهی	قلمرو موقعیتی (تجهیزات ثابت در محیط)
	فضاهای خصوصی خانواده		قلمرو خودمحور (وابسته به فضا شخصی و دارایی‌های فرد)
	فضاهای خصوصی افراد		
آلتمن (۱۹۷۵) متاثر از لندیس (۱۹۴۹)	قلمرو اولیه (خصوصی)	نیومن (۱۹۷۲)	قلمرو خصوصی: با میزان شخصی‌سازی و محافظت بالا
	قلمرو ثانویه (نیمه‌خصوصی)	تامین امنیت (شخصی‌سازی، مالکیت و کنترل)	قلمرو حمایت‌کننده: نیمه‌خصوصی یا قلمروی اشتراکی
	قلمرو عمومی (موقت)		قلمروی نیمه‌عمومی (با مالکیت صرفاً ذهنی)
			قلمروی عمومی (بدون هیچ‌گونه احساس مالکیت برای کاربران)
لیمن و اسکات (۱۹۶۷)	قلمرو عمومی (امکان دسترسی آزاد/ بدون لزوم آزادی عمل)	تیلور (۱۹۸۸)	فضاهای داخل واحد مسکونی
	قلمرو خانگی (تحت استفاده فرد یا گروه خاص، با امکان کنترل محیط به دلیل تعلق ذهنی)	مرکزیت (میزان اهمیت)	فضاهای بلافاصله در مجاورت خانه‌ها و محل سکونت
	قلمرو تعاملی (مکان برگزاری مراسمات اجتماعی طبق قوانین دسترسی مشخص)		فضاهای مورد استفاده منظم (مانند فضای کاری و غیره)
	قلمرو بدن		مکان‌های عمومی یا قلمروهای موقت*

* براساس رای تیلور و بروکس (۱۹۸۰) امکان وابستگی کوتاه‌مدت افراد به این مکان‌ها وجود دارد (Taylor and Brooks 1980).

هم‌چنین فرد با شناخت قرارگاه‌های رفتاری موجود در قلمروی خود سعی در کنترل الگوهای رفتاری مورد قبول در آن دارد و در صورت هرگونه تجاوز به آن برای خود حق دفاع قائل است.

شکل ۳: نحوه اثر عملکرد قلمرویی



(Based on Gold 2020)

هرشبرگ (Herzberg 2003) شناخت را متشکل از سیری خطی می‌داند که با «احساس» محیط توسط انسان آغاز و با خلق «معنا» طی فرآیند ذهنی «ادراک»، خاتمه یافته (شکل ۴) به گونه‌ای که به ارتباط انسان با محیط، رنگ‌وبوی «آگاهانه» ببخشد.

۲-۵- قلمروبابی

۲-۵-۱- فرآیند شناخت

محققان «شناخت» را حاصل فرآیندهای درونی ذهن انسان می‌دانند که از طریق آن، فرد اطلاعات را در ذهن ذخیره کرده، می‌اندیشد و به‌یاد می‌آورد (Saif 2013).

شکل ۴: مسیر تعامل انسان با محیط



(Bruner and Pośtman 1949)

الف) احساس

فرآیند «شناخت محیط» توسط انسان، در وهله نخست به «احساس» محیط توسط فرد وابسته است که از طریق تحریک محیطی اندام‌های حسی و سیستم عصبی بدن انسان، صورت می‌پذیرد. در این تعامل فرد بر اساس نیاز، اطلاعات را با حواس خود از محیط دریافت می‌کند (Sharqi et al. 2017). بنابراین هرچه قدر حواس بیش‌تری درگیر فرآیند شناخت شوند (Bakhtiarmanesh 2016; Soheili et al. 2019; Landry 2013 Salehiniya and Niroumand 2018; Shirazi et al. 2010; Hazreana 2010).

ب) ادراک حسی

مرحله دو از فرآیند شناخت «ادراک حسی» می‌باشد. «ادراک» فعل اختیاری نبوده (Merleau-Ponty 2005) بلکه فرآیند ذهنی است که طی آن تجارب حسی معنی‌دار شده و انسان، روابط امور و معانی اشیاء را در می‌یابد (Irvani and Khodapanahi 2000). به‌طور کلی «ادراک» فرآیند «سازماندهی» و «تفسیر» اطلاعات ورودی حسی جهت «معنادار» کردن آن‌ها می‌باشد (Sarmadi et al. 2020). طبقه‌بندی اطلاعات براساس ویژگی‌هایشان در مغز (Bakhtiarmanesh 2016) و مطابقت آن‌ها با «الگوهای ذهنی» صورت می‌گیرد. این الگوها به دو صورت الگوهای «اکتسابی» در ترکیب با «الگوهای ذاتی» یا «فطری» که از بدو تولد در نهاد بشر گذاشته شده‌اند، وجود دارند (Salingaros 2000). خروجی این بخش شامل تصویر ذهنی متناسب با محیط برای فرد می‌باشد.

ج) ادراک عقلی یا شناخت

مرحله سه از فرآیند شناخت «ادراک عقلی» است که شامل کنکاش ذهنی روی اطلاعات سازماندهی‌شده در مغز می‌باشد. در این مرحله، فرد تصویر ذهنی موردنظر را با معیار «ارزش‌ها» و «انگاره‌های ذهنی» خود، قضاوت کرده و بر اساس آن «معنا»ی معینی به محیط می‌بخشد (Sarmadi et al. 2020). پس از این مرحله، فرد قادر خواهد بود، متناسب با معنای ایجادشده در ذهن، نسبت به محیط واکنش عاطفی مثبت یا منفی نشان داده و «رفتار» مناسبی برابر آن داشته باشد.

د) تجربه زیسته

لازمه شکل‌گیری معنا در ذهن، وجود اطلاعات ذهنی در قالب «الگوهای ذهنی» می‌باشد (Abbasi, Habibi, and Mokhtabad Amroii 2018). لذا ماهیت این اطلاعات می‌تواند شناخت افراد از یک مفهوم واحد را متفاوت سازد. درحالی که بخشی از اطلاعات ذهنی از جنس «فطری» بوده که غالباً در همه انسان‌ها مشترک می‌باشد؛ عامل تفاوت را می‌توان در اطلاعات «اکتسابی» جستجو کرد که در علوم اجتماعی آن را متاثر از شیوه زندگی افراد می‌دانند (Salingaros 2000). در عین حال رفتار متفاوت میان دو فرد با شیوه‌ی زندگی مشابه، موکد آنست که اطلاعات ذهنی هر فرد به میزان قابل توجهی متاثر از تجارب مستقیم زندگی فرد قرار می‌گیرد. از این‌رو فرض می‌شود آن‌چه معنا و در نتیجه شناخت از یک مفهوم واحد را میان انسان‌ها متفاوت می‌سازد، حاصل «تجربه‌ی زیسته‌ی» منحصر به فرد شخص می‌باشد. تجربه زیسته را می‌توان همان «آگاهی بی‌واسطه و غریزی انسان از زندگی» دانست (Van manen 1990) که قابلیت تبدیل به احساسات زودگذر در گذر زمان را نخواهد داشت. بنابراین تجربه زیسته کلیدی است که در حافظه شکل گرفته و می‌تواند مجدداً به‌همان صورت تجربه شود (Gadamer 1975). از این‌رو به‌نظر می‌رسد اطلاعات ذهنی متاثر از تجربه زیسته فرد و به‌صورت خاص‌تر اطلاعات ذهنی اکتسابی شخص، نقش موثر و قابل توجهی در شناخت فرد از محیط به‌عهده خواهد داشت. بنابراین در این مقاله تلاش می‌شود تا جهت یافتن علل تفاوت در عملکرد قلمرویی افراد مختلف در زمان و مکان ثابت، نحوه اثرگذاری تجربه زیسته بر عملکرد قلمرویی افراد، مورد بررسی قرار بگیرد.

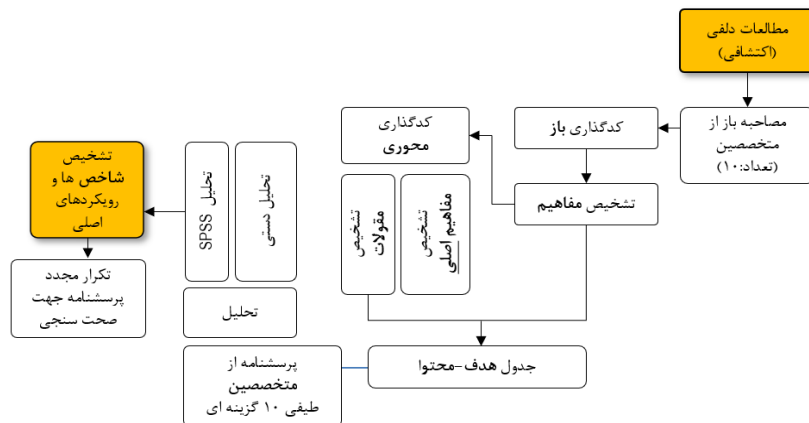
۳. روش تحقیق

به‌طور کلی در این پژوهش به‌منظور گسترش موضوع، فراتر از آن‌چه در ادبیات مربوطه وجود دارد، با رویکردی اکتشافی از روش تحقیق «دلفی» استفاده شده است (شکل ۵). بنابراین به‌منظور تولید «تئوری» و با هدف بررسی دیدگاه متخصصین در موضوع رابطه «تجربه زیسته» با «عملکرد قلمرویی»، مصاحبه‌هایی با رویکرد «اکتشافی» از دیدگاه ۱۰ متخصص در حداقل سه رشته

دو نوع کدگذاری باز و محوری مورد تحلیل قرار گرفت. در همین راستا نخست «کدگذاری باز»^{۱۱} با دو سطح از تحلیل و سپس «کدگذاری محوری»^{۱۲}، با سطح ۳ تحلیل روی پاسخها اعمال شد.

مرتبط با زمینه تحقیق (شامل معماری، شهرسازی، و رشته‌های زیرمجموعه علوم انسانی) انجام شد. در این مصاحبه‌ها از متخصصین درخواست شد تا «با تکیه بر تجارب شخصی خود، مفهوم قلمرو در محیط مسکونی را شرح دهند». پس از آن تمامی ۱۰ پاسخنامه، توسط

شکل ۵: مسیر طی شده در بخش دلفی



در مجموعه‌هایی با اعضای دارای ویژگی‌های مشترک، براساس میزان دوری و نزدیکی به مفهوم مطرح در هر مجموعه و در قالب یک پیوستار ۹ طبقه سلسله‌مراتبی، رقم‌خورد (جدول ۳).

تحلیل سطح اول از «کدگذاری باز» شامل مشخص کردن جملاتی با مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع در هر مصاحبه بود که بدین ترتیب سرفصل‌های اولیه برای مفهوم‌سازی در این پژوهش شکل گرفت. در تحلیل سطح دوم، به‌تفکیک در هر مصاحبه، مرتب‌سازی جملات کلیدی

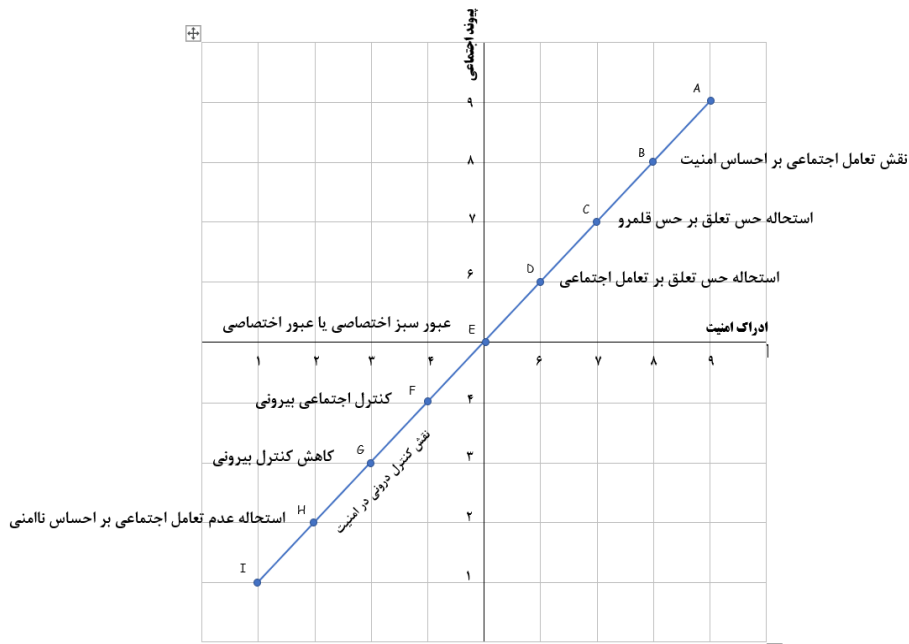
جدول ۳: نمونه‌ای از سطح ۲ تحلیل در کدگذاری باز

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	۱۳	الف ۱۲	الف ۲۷	۱۵	ب ۱۱	الف ۲۶	۵	
	۲۰ الف	ب ۲۶		ب ۲۷	۱۷	ج ۲۶	الف ۶	
احساس ناامنی	۹				۱۸			احساس امنیت
					۱۹			
					۲۱			
					۲۲			
					۲۴			

مشترک شناسایی شد و با «نام‌گذاری» تقاطع مفاهیم مربوط به هر دو محور به‌عنوان «مقوله ۲۸» مدنظر، کدگذاری محوری نیز پایان یافت (جدول ۴) (شکل ۶).

به‌منظور تحلیل مرتبه سوم، نتایج حاصله از کدگذاری باز، وارد مرحله «کدگذاری محوری» شدند که در آن با تنظیم پیوستارهای حاصل از تناظر دوبه‌دوی نمودارها مفاهیم

شکل ۶: نمونه‌ای از سطح ۳ تحلیل متعلق به کدگذاری محوری



جدول ۴: بررسی مفاهیم اصلی و مقولات به دست آمده از آن‌ها

مقولات	مفاهیم اصلی						
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
هویت پایدار	استحاله بی‌هویتی بر معماری شهر	اثر اشراف بصری بر ابعاد حریم	نقش منظر بر شکل‌گیری هویت	استحاله افق دید گسترده بر امکانات محیطی	نقش اقتصاد ساکنین بر امکانات محیطی	مسیر سبز	مسیر سیال
نقش مالکیت در ادراک حریم خصوصی	نقش تجاوز صوتی بر فضای غیر قابل دفاع	نقش فضای رهاشده بر ادراک ناامنی	اثر میزان استفاده از مکان در ادراک ناامنی	استحاله اختلاط کاربری بر وابستگی به مکان	نقش کنترل بیرونی بر ماندگاری در محیط	کنترل	اثر محدودیت تردد بر ادراک مالکیت
نقش خوانایی اجتماعی بر دلبستگی بر مکان	استحاله عدم وجود پیوند اجتماعی بر حس تعلق	استحاله محدودیت پیوند اجتماعی بر ادراک قلمرو	اثر نظارت‌پذیری بر مدیریت مکان	نقش طول سکونت مالک بر ادراک قلمرو ثانویه	استحاله پیوندهای همبستگی بر ادراک امنیت	اثر طبقه اقتصادی بر منظرسازی محیط مسکونی	نقش ادراک قلمروی اولیه بر خوانایی اجتماعی
نقش کنترل بیرونی بر امنیت	استحاله عدم تعامل اجتماعی بر احساس ناامنی	کاهش کنترل بیرونی	کنترل اجتماعی بیرونی	عبور سبز اختصاصی یا عبور اختصاصی بازی‌ساز	استحاله حس تعلق بر تعامل اجتماعی	استحاله حس تعلق بر حس قلمرو	نقش تعامل اجتماعی بر احساس امنیت
نقش طول سکونت بر کنترل درونی	استحاله ناهمگنی اجتماعی بر کنترل درونی	استحاله قلمرویی دیگری بر ادراک احساس تعلق به مکان	نقش طول سکونت بر تعاملات اجتماعی	نقش خوانایی اجتماعی در شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی	نقش طول سکونت بر ارتقا کنترل درونی	نقش خانواده‌های سرشناس در خوانایی اجتماعی	نقش خاطرات جمعی در ادراک قلمرو
کنترل اجتماعی درونی	استحاله تناسب نامتناسب فضا بر تعاملات اجتماعی	شناخت زمانمند مکان	نقش مشارکت در اداره محیط بر وابستگی به مکان	نقش ادراک حریم بر حس تعلق	نقش «خلوت» بر ادراک امنیت	نقش محدودیت تردد بر مالکیت ذهنی	کنترل اجتماعی درونی

مقولات	مفاهیم اصلی						
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
اثر چشم ناظر بر ادراک راحتی	اثر تصویر ذهنی بر شناخت محیط	نقش شناخت محیط بر حدود قلمرو	نقش تعاملات اجتماعی بر حدود حریم خصوصی	نقش اشرف بصری بر کاهش رفاه محیطی	استحاله صدای مزاحم بر ادراک امنیت	استحاله خاطره منفی بر کنترل فضا	آرامش روانی و آسایش فیزیکی
نقش کنترل درونی بر تصویر ذهنی مثبت از محیط	نقش کنترل درونی بر الگوهای رفتاری قابل قبول	نقش کنترل درونی بر الگوهای رفتاری قابل قبول	نقش کنترل درونی بر الگوهای رفتاری قابل قبول	استحاله میزان استفاده از فضا بر تعلق به مکان	نقش نور در بی‌دفاع بر احساس تعلق به محیط	استحاله فضاهای مثبت یا حس مثبت	تصویر ذهنی مثبت
نقش خوانایی اجتماعی بر ادراک امنیت	استحاله ادراک نامنی بر مالکیت ذهنی	تناسب الگوهای رفتاری با قرارگاه‌های رفتاری	استحاله استفاده مکرر از محیط بر ادراک خلوت	استحاله تردد پرتکرار بر ادراک امنیت	استحاله تردد بالا بر آرامش محیطی	استحاله صدای مزاحم بر ادراک آرامش	ادراک خلوت

مورد مطالعه تعریف کرده‌اند. در این روش به جای شناخت چیزهای مشترک میان یک جمعیت بزرگ، به درک فردیت افراد پرداخته می‌شود (Corr 2001, 293-297). بنابراین پژوهشگر قادر خواهد بود تا محتوای ذهنی افراد را نسبت به موضوعات مختلف آشکار نماید (Ranjbar et al. 2016; Brown 1987). معمولاً از این روش به عنوان پیوند «روش تحقیق کیفی» و «کمی» یاد شده است (Khoshgoyan Fard 2006). زیرا از یک سو، انتخاب مشارکت‌کنندگان به طور هدفمند و با اندازه‌ای کوچک صورت می‌گیرد که آن را به روش کیفی نزدیک می‌سازد و از سوی دیگر، یافته‌ها از طریق «تحلیل عاملی» و به صورت کاملاً کمی به دست می‌آیند.

روش‌شناسی Q با پذیرش این امر که انسان‌ها نه بر اساس واقعیت بلکه بر اساس تصاویری که از واقعیت در ذهن خود دارند عمل می‌نمایند، ساختار معرفت‌شناسانه را برگزید (Boros 2006) بنابراین این روش، شناسایی الگوهای فکری حاکم بر تصمیمات فردی را تسهیل می‌سازد، لذا روش Q با هدف «طبقه‌بندی نظام فکری» پاسخ‌دهندگان، به پژوهشگر کمک می‌کند تا اولاً ادراکات را شناسایی و طبقه‌بندی نموده و ثانیاً به دسته‌بندی افراد بر اساس ادراکاتشان بپردازد (Kitzinger 1999).

۴. یافته‌های تحقیق

در مرحله تحلیل ۲۱ پاسخ‌نامه، شش دیدگاه کلی تشخیص داده شد. سپس به منظور صحت‌سنجی نتایج حاصل از این مرحله، پرسش‌های مشترک میان متخصصین در هر شش دیدگاه، مشخص شد و در پرسش‌نامه دیگری با تعداد ۵۶ سوال، برای بار دوم در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. پس از دریافت داده‌ها از پرسش‌نامه دوم و حین تحلیل پاسخ‌نامه، طبقه‌بندی دیدگاه‌های مطروحه، مجدداً انجام شد.

خروجی این مرحله شامل جدول هدف-محتوا بود که در آن اهداف شامل مفاهیم استخراج‌شده در کدگذاری باز و محتواها شامل سرفصل‌ها و مقولات به دست آمده از کدگذاری محوری بودند که عبارتند از: هویت پایدار، ادراک خلوت، نقش مالکیت در ادراک حریم خصوصی، نقش خوانایی اجتماعی بر دلبستگی به مکان، نقش کنترل بیرونی در امنیت، نقش طول سکونت بر کنترل محیط، کنترل اجتماعی درونی، آسایش فیزیکی و آرامش روانی و نقش تصویر ذهنی مثبت از محیط.

در تکمیل بخش دلفی پژوهش، پس از جدول هدف-محتوا، پرسش‌نامه‌ای شامل ۱۸۵ سوال بامضمون تلافی هر هدف با محتوای مربوطه و در قالب حداقل یکی از سه حیطه «شناختی، عاطفی و رفتاری» برای تحت پوشش قرار دادن نگاه‌های متفاوت پرسش‌شوندگان، طراحی شد. این پرسش‌نامه با پاسخ‌های طیفی نه گزینشی به همراه جدول هدف-محتوا در مرحله اول در اختیار پنج نفر از متخصصین مربوط به زمینه پژوهش قرار گرفت تا بعد از تأیید و جلب نظر نهایی آن‌ها، در مرحله بعد در اختیار ۲۱ تن دیگر از متخصصین مسلط به زمینه تحقیق، قرار بگیرد. متخصصان در این مرحله بر اساس روش «نمونه‌گیری گلوله برفی» تا ایجاد اشباع نظری، انتخاب شدند. در همین راستا کفایت حجم نمونه‌گیری با توجه به آزمون KMO در مرحله تحلیل پرسش‌نامه، مورد تأیید واقع شد.

۳-۱- طبقه‌بندی مفاهیم از نظر متخصصین با بهره‌گیری از تحلیل عاملی Q

پیش از بررسی نتایج، معرفی روش تحلیل عاملی Q به عنوان شیوه به‌کاررفته در این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. به طور کلی پژوهشگران چنین تحلیلی را یک «مطالعه سیستماتیک» پیرامون ذهنیت و دیدگاه افراد

جدول ۵: آزمون KMO و کرویت بارتلت به منظور بررسی کفایت حجم نمونه

آزمون بارتلت و KMO		
۰.۶۶۹	کفایت نمونه‌گیری براساس آزمون کیسر، میر و الکین	
۴۸۹.۷۲۴	مقدار خی ۲	
۲۱۰	درجه آزادی	
۰.۰۰۰	سطح معنی‌داری	

جدول ۶: واریانس داده‌ها پس از چرخش تحلیل عاملی

Classification Professional	Of	NO. pf Professional
First	group	۱۳-۳-۱۵-۱۲-۵
Second	group	۱-۷-۱۴
Third	group	۱۷-۲۰-۱۰-۶
Forth	group	۹-۲۱
Fifth	group	۱۱-۴
Sixth	group	۶-۸-۱۸
Seventh	group	۲
Eighth	group	۹

در حالی که عموماً جهت‌گیری یک نفر نمی‌تواند رویکرد علمی به‌شمار رود، لذا این دو عامل از مجموع رویکردهای اصلی متخصصین حذف گردید. هم‌چنین مقدار عددی واریانس داده‌های چرخش داده شده، با رقم ۶۶.۶۹۱ درصد بیانگر آنست که حدود ۶۷ درصد از پاسخ متخصصین دارای رویکردهای علمی با گرایشات یکسان و قابل سازماندهی هستند. در حالی که ۳۳ درصد باقیمانده، میزان گرایشات و علائق فردی در این پژوهش را نشان می‌دهد که علم تلقی نمی‌شود (جدول ۷).

یافته‌های حاصل نشان می‌دهد که در این پژوهش، کفایت حجم نمونه با استفاده از آزمون KMO و کرویت بارتلت با مقدار ۰.۶۶۹ یعنی رقمی بالاتر از ۰.۶ مورد تأیید می‌باشد (جدول ۵). علاوه بر آن درحالی که در این آزمون مقدار سطح معنی‌داری برابر با ۰.۰۰۰ و کوچک‌تر از ۰.۰۵ است لذا انجام تحلیل عاملی بر روی نتایج این پرسش‌نامه امکان‌پذیر می‌باشد. بنابراین براساس تحلیل عامل Q و بررسی نتایج پس از چرخش تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، هشت عامل (رویکرد) اصلی در این موضوع مشخص شد (جدول ۶). اما به دلیل آن که دو عامل ۷ و ۸ به‌تنهایی بیانگر دیدگاه تنها یک نفر بوده و

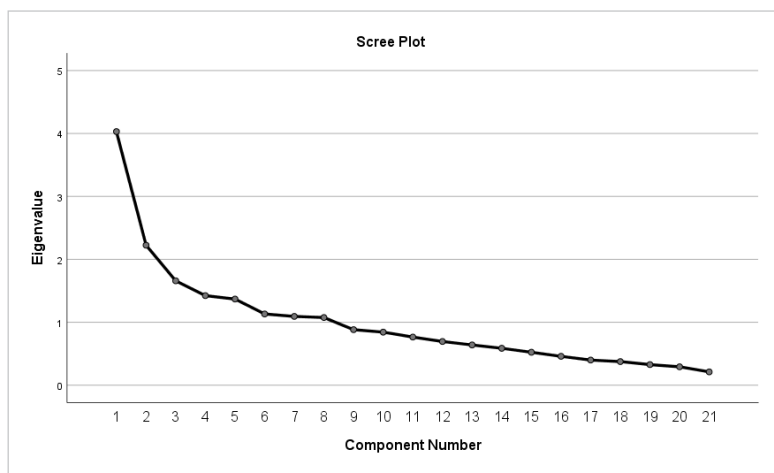
جدول ۷: شرح واریانس داده‌ها

Component	Extraction Sums Of Squared Loadings			Rotation Sums Of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative%	Total	% Of Variance	Cumulative%
۱	۴۰.۳۰	۱۹.۱۹۲	۱۹.۱۹۲	۲.۶۲۸	۱۲.۵۱۳	۱۲.۵۱۳
۲	۲.۲۲۴	۱۰.۵۹۲	۲۹.۷۸۴	۲.۳۴۲	۱۱.۱۵۰	۲۳.۶۶۳
۳	۱.۶۵۸	۷.۸۹۷	۳۷.۶۸۱	۱.۹۱۳	۹.۱۱۰	۳۲.۷۷۳
۴	۱.۴۲۳	۶.۷۷۷	۴۴.۴۵۹	۱.۶۳۵	۷.۷۸۷	۴۰.۵۶۰
۵	۱.۳۶۹	۶.۵۱۹	۵۰.۹۷۸	۱.۵۳۵	۷.۳۰۸	۴۷.۸۶۸
۶	۱.۱۳۲	۵.۳۸۸	۵۶.۳۶۶	۱.۴۶۱	۶.۹۵۵	۵۴.۸۲۳
۷	۱.۰۹۳	۵.۲۰۴	۶۱.۵۷۰	۱.۳۴۲	۶.۳۹۲	۶۱.۲۱۵
۸	۱.۰۷۵	۵.۱۲۱	۶۶.۶۹۱	۱.۱۵۰	۵.۴۷۶	۶۶.۶۹۱

در نمودار ارزش‌های ویژه اسکری، با توجه به آن که نقطه عطف برای چرخش عامل‌ها، مکان تغییر شیب نمودار است، از وجود هشت رویکرد در پاسخ‌های متخصصین

خبرمی‌دهد که در آن عامل اول نسبت به سایر رویکردها سطح معناداری بالاتری دارد (شکل ۷).

شکل ۷: نمودار ارزش‌های ویژه اسکری



متخصصین در هر گروه، سوالات با نمرات ۸ و بالای آن استخراج گشتند. سپس بر اساس سوالات مشترک میان متخصصین در هر دسته، «نامگذاری» روی مفهوم کلی صورت گرفت، به گونه‌ای که هر عنوان انتخابی به همراه زیرمجموعه خود به یکی از عوامل موثر بر تشخیص قلمرو در اطلاعات ذهنی وابسته به تجربه زیسته اشاره می‌نمود.

از سوی دیگر با بهره‌گیری از جدول داده‌های چرخش شده و به منظور شناسایی متغیرها در هر رویکرد، هر بار، عاملی که مقدار آن بزرگ‌تر از مثبت و منفی ۰.۳ بود، در آن عامل قرار گرفته و از این طریق متغیرهای هر رویکرد مشخص شدند (جدول ۸). پس از طبقه‌بندی افراد صاحب‌نظر در هر رویکرد، با هدف یافتن نحله‌های فکری مشترک بین

جدول ۸: ماتریس داده‌های چرخش داده شده و بار عاملی هر یک (شامل طبقه‌بندی متخصصان بر اساس دیدگاه‌هایشان)

	Component							
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
Var۰۰۵	۰.۷۴۷	۰.۱۲۰	۰.۱۰۶	-۰.۰۳۸	-۰.۰۵۱	۰.۱۷۰	۰.۱۲۹	-۰.۲۱
Var۰۱۲	۰.۷۱۲	-۰.۱۶۶	۰.۱۲۳	۰.۲۴۷	۰.۰۷۳	-۰.۲۰۸	۰.۱۰۲	۰.۱۱۴
Var۰۱۵	۰.۶۹۷	۰.۱۴۹	۰.۱۵۹	۰.۰۲۱	-۰.۰۵۷	۰.۱۹۷	۰.۳۹۴	۰.۰۸
Var۰۰۳	۰.۶۸۳	۰.۳۳۶	-۰.۲۳۲	۰.۲۴۲	۰.۴۹۷	-۰.۰۳۶	۰.۰۴۲	-۰.۰۱۶
Var۰۱۳	۰.۵۷۷	-۰.۰۳۶	۰.۲۳۲	۰.۲۴۲	۰.۴۹۷	-۰.۰۳۶	۰.۰۴۲	-۰.۰۱۶
Var۰۱۴	۰.۰۳۰	۰.۸۱۷	-۰.۰۱۳	-۰.۲۲۲	-۰.۱۰۵	۰.۰۲۶	۰.۰۵۲	-۰.۰۴۶
Var۰۰۷	۰.۱۴۳	۰.۷۰۱	۰.۱۰۱	۰.۲۳۳	۰.۲۵۶	-۰.۲۲۶	۰.۱۶۳	۰.۰۷۳
Var۰۰۱	۰.۱۰۵	۰.۶۹۳	-۰.۰۲۷	۰.۱۸۳	۰.۲۱۷	۰.۰۸۷	۰.۱۱۸	-۰.۰۰۷
Var۰۰۶	۰.۰۲۷	-۰.۰۰۴	۰.۸۰۴	۰.۱۶۲	۰.۱۲۳	۰.۱۶۵	۰.۰۵۲	۰.۰۶۲
Var۰۱۰	۰.۱۵۱	۰.۱۱۴	۰.۶۶۶	۰.۱۰۱	۰.۰۴۴	-۰.۰۸۱	-۰.۲۱۳	۰.۲۴۳
Var۰۲۰	۰.۳۲۹	۰.۱۰۴	۰.۵۸۲	-۰.۲۲۹	-۰.۲۴۵	۰.۰۷۸	۰.۱۱۵	-۰.۳۷۸
Var۰۱۷	۰.۰۶۸	-۰.۳۶۰	۰.۵۲۰	-۰.۱۶۹	۰.۲۰۵	-۰.۰۳۲	۰.۲۵۱	۰.۰۱۴
Var۰۲۱	۰.۰۷۸	۰.۱۶۵	۰.۰۴۶	۰.۷۹۴	-۰.۲۱۰	-۰.۰۷۳	-۰.۰۰۳	۰.۱۵۰

	Component							
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
Var۰۱۹	۰.۰۷۴	-۰.۰۳۰	۰.۰۴۳	۰.۴۷۵	۰.۲۳۹	۰.۲۱۷	۰.۰۳۴	-۰.۱۹۴
Var۰۰۴	-۰.۰۱۹	۰.۰۵۶	-۰.۰۱۹	-۰.۰۵۲	۰.۶۶۵	۰.۱۹۲	۰.۲۹۲	۰.۰۷۵
Var۰۱۱	۰.۰۷۹	۰.۲۹۶	۰.۱۸۰	۰.۰۰۲	۰.۶۲۴	-۰.۰۷۰	-۰.۲۱۸	-۰.۰۷۴
Var۰۱۸	۰.۰۶۰	-۰.۲۰۱	۰.۱۴۲	۰.۰۲۲	۰.۰۳۸	۰.۷۳۹	-۰.۰۹۷	۰.۱۵۵
Var۰۰۸	۰.۱۸۸	۰.۱۱۲	-۰.۰۵۴	-۰.۰۰۷	-۰.۰۳۳	۰.۵۴۱	۰.۳۴۰	-۰.۱۲۵
Var۰۱۶	۰.۰۳۲	۰.۴۰۶	۰.۰۱۶	۰.۲۵۱	۰.۲۵۹	۰.۵۱۵	۰.۰۷۰	۰.۰۸۱
Var۰۰۲	۰.۲۰۰	۰.۱۹۳	۰.۰۱۳	۰.۰۳۹	۰.۰۹۸	۰.۰۲۱	۰.۷۹۹	۰.۰۹۴
Var۰۰۹	۰.۰۹۹	۰.۰۱۰	۰.۱۴۶	-۰.۰۳۴	-۰.۰۱۳	۰.۱۰۲	۰.۰۸۹	۰.۸۸۸

تجربه زیسته برای هر کس غیرقابل تکرار و منحصر به فرد می‌باشد، لذا برای دستیابی به پاسخ صحیح در این مقاله تلاش شد تا با مرور تصاویر ذهنی افراد از قلمرو، به کشف «مفاهیم مشترک» در تجارب زیسته افراد مختلف در فرآیند شناخت پرداخته و برای احیای قلمروی ثانویه، الگوهای شناختی فوق را در قالب «مقولات» و «شاخصه‌های اصلی» ارائه نماییم.

۶. نتیجه‌گیری

در حالی که علت تمایز میان شناخت قلمروی ثانویه توسط افراد مختلف را می‌توان به اطلاعات و تصاویر ذهنی آن‌ها از قلمرو (که خود حاصل تجربه زیسته هر فرد می‌باشد)، نسبت داد، مطالعات دلفی صورت گرفته برای کشف الگوهای کالبدی و غیرکالبدی مورد توجه ساکنین در محدوده قلمروی ثانویه نشان می‌دهد که:

۱. در پاسخ به سوال اول:

از نظر پژوهشگران در مرحله ادراک از فرآیند شناخت، جهت سازماندهی اطلاعات ورودی از حواس (به‌منظور شکل‌گیری تصویر ذهنی از محیط)، الگوهای ذهنی متأثر از تجربه زیسته با توجه به مقولات به‌دست آمده به شش گروه امنیت، مالکیت، کنترل درونی و بیرونی، هویت، آسایش فیزیکی و آرامش روانی و هم‌چنین خلوت دسته‌بندی شده است.

از سوی دیگر در مرحله نهایی شناخت، تصویر ذهنی شکل‌گرفته از محیط در ذهن مخاطب، تحت نظام ارزش‌دهی حاصل از شش عامل، کنترل بیرونی بر ادراک امنیت، نقش ادراک راحتی بر ماندگاری ساکنین در محیط، نقش هویت بر مالکیت، نقش کنترل درونی بر ادراک امنیت، نقش مالکیت بر هویت، نقش ادراک راحتی بر کنترل محیط، معنا شده و فرد بر اساس شناختی که از قلمروی خود به‌دست آورده است، به تنظیم رفتار مناسب در محیط و استفاده از نشانه‌های قابل فهم در نشانه‌گذاری قلمرو، اقدام خواهد کرد (شکل ۸).

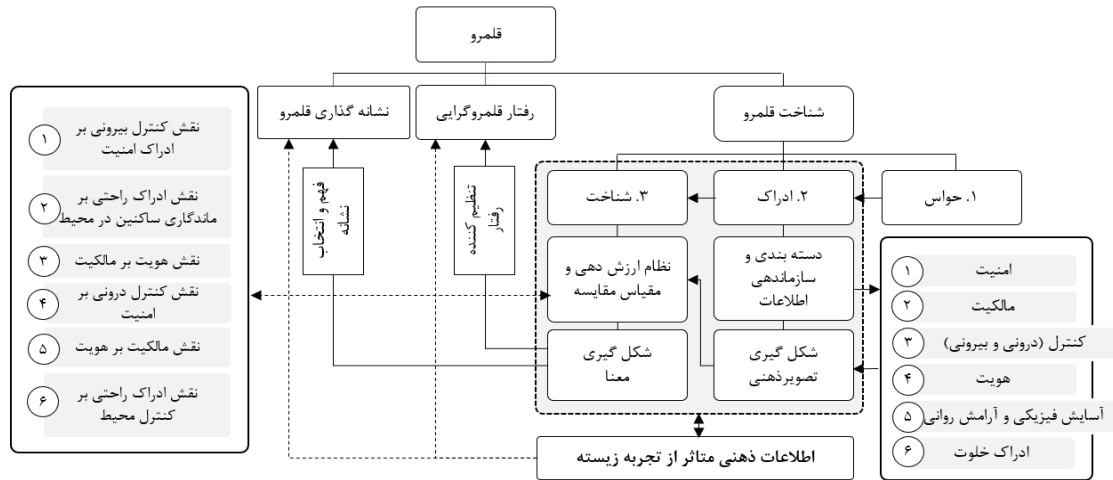
در این مرحله شش رویکرد نامگذاری شده به‌همراه سوالات زیرمجموعه خود، مجدداً به پنج تن از متخصصین ارائه و از آن‌ها درخواست شد، نظر خود را در رابطه با عناوین پیشنهادی اعلام نمایند. پس از اعمال نظر متخصصین در طبقه‌بندی رویکردها و نامگذاری هر یک، پرسش‌نامه دوم با تعداد ۵۶ سوال مبتنی بر سوالات مشترک مذکور طرح شد و در اختیار همان ۲۱ نفر قرار گرفت. پس از تحلیل سری دوم پرسش‌نامه‌ها، نتایج مشترک میان هر دو مرحله بر روند صحیح طی شده در تحقیق صحه گذاشت.

۵. جمع‌بندی

بنابر آن‌چه گفته شد، تحولات اخیر در حوزه توسعه محلات و مناطق مسکونی، ضمن مختل نمودن نظام فیزیکی محلات سنتی متمرکز، با ایجاد محلات مسکونی غیرمتمرکز و عمدتاً با تراکم بالاتر، در موارد بسیاری سبب حذف قلمروی ثانویه در مجاورت واحدهای مسکونی محلات شده است. با حذف قلمروی ثانویه، قلمروی اولیه به‌عنوان قلمروی کاملاً خصوصی در مجاورت حوزه عمومی قرار گرفته که از آثار منفی آن القای ازدحام به ساکنین و تحمیل فشارها و آسیب‌های ذهنی و روانی ناشی از آن می‌باشد.

در حالی که متخصصین «قلمرو» را یکی از مکانیسم‌های دستیابی به خلوت مطلوب در محیط می‌دانند، تحقق قلمروی ثانویه در محیط‌های مسکونی، به‌عنوان فضای مفصل برای انتقال از حوزه عمومی به قلمروی خصوصی یا بالعکس ضروری به‌نظر می‌رسد. از آن‌جا که قلمروی ثانویه از نوع «اشتراکی» بوده و به‌عنوان یک مفهوم کاملاً «ذهنی» مطرح است، لذا برای دستیابی به آن، شناخت عوامل «کالبدی» و «غیرکالبدی» مورد توجه غالب ساکنین، ضروری می‌باشد. از این رو به‌منظور دستیابی به الگوهای شناختی مورد توجه ساکنان، مرور تصویر ذهنی آن‌ها از قلمروی ثانویه ضروری تلقی شد. بنابراین با فرض آن‌که از یک سو تصویر ذهنی و معنای مفاهیم برای هر فرد وابسته به تجربه زیسته او بوده و از سوی دیگر

شکل ۸: نحوه اثرگذاری تجربه زیسته بر عملکرد قلمرویی



به دست آمده از بخش دلفی، دسته بندی کرده و با توجه به اولویت و اهمیت رویکردهای طرح شده توسط متخصصین که به تفکیک در جدول ۱۰ قابل بررسی است، به تقویت هر یک از این ویژگی ها پرداخت.

۲. هم چنین باتوجه به شش رویکرد اصلی به دست آمده از مطالعات دلفی، در پاسخ به سوال دوم: جهت احیا قلمروی ثانویه برای ساکنین در هر محیط مسکونی، لازم است که ویژگی های کالبدی و غیر کالبدی محیط را به منظور تقویت قلمروی ثانویه، ذیل مقولات

جدول ۹: رویکردهای مورد توجه پژوهشگران در موضوع نحوه اثر تجربه زیسته بر عملکرد قلمرویی

عوامل	رویکردها
در حالی که احساس "امنیت" مهم ترین ویژگی و دستاورد یک قلمرو به شمار می رود، "کنترل" اتفاقات درونی قلمرو، می تواند یکی از مهم ترین ابزارهای برای نیل به این هدف باشد. در همین راستا شکل گیری شبکه های قوی ارتباطی میان ساکنین و خانواده های حاضر در یک قلمرو که تابعی از خوانایی اجتماعی میان آن هاست، می تواند منجر به تقویت اعمال کنترل و نظارت بر قلمرو شود؛ این مفهوم تحت عنوان «نقش کنترل درونی بر ادراک امنیت ساکنین» در قلمرو لحاظ می شود.	نقش کنترل درونی بر ادراک امنیت ۱ ۳-۱۳-۱۵-۱۲-۵
پاسخگویی محیط به نیازهای فرد در هر دو سطح عملکردی و متعالی سبب ارتقا احساس رضایت و تعلق خاطر او به محیط زندگی اش می شود. در این صورت آسایش فیزیکی و آرامش روان شخص (راحتی فرد) توسط محیط تامین شده و ماندگاری او در محیط بالا می رود.	نقش ادراک راحتی بر ماندگاری ساکنین در محیط ۲ ۱-۷-۱۴
در حالی که ویژگی های حاکم بر خانه و محیط مسکونی برای هر فرد می تواند بیانگر «هویت» او باشد، به نظر می رسد که هر چه قدر فرد نشانه های هویتی خویش را بیش تر در محیط پراکنده سازد (هر چه قدر در برابر عناصر هویتی کالبدی (نظیر تیپولوژی ساختمان ها، کف سازی، مبلمان و مصالح خاص و غیره)، اجتماعی (نظیر طبقه اجتماعی، تیپولوژی خانوارها، پیوندهای اجتماعی و غیره) و منظر سازی (پوشش گیاهی خاص، طراحی محیطی و غیره) و چشم اندازهای خاص و غیره) تعلق خاطر بیش تری نسبت به محیط داشته و احساس مالکیت او نسبت به همان محیط قوی تر خواهد بود.	نقش هویت بر مالکیت ۳ ۱۷-۲۰-۱۰-۶
در مواردی که به دلایل مختلف (مانند اختلاط کاربری ها با کاربری مسکونی موقعیت کوچه، ویژگی های کالبدی و یا تراکم بالای ساختمان ها)، حضور غریبه ها در محیط مسکونی افزایش یافته یا به دلیل تعداد بالای ساکنین تشخیص آشنا از غریبه مقدور نبوده و یا به دلیل ویژگی های کالبدی و موقعیتی کوچه امکان تجاوز به قلمرو ساکنین تسهیل می شود، استفاده از ابزار کنترل محیط (نظیر استفاده از دوربین مدار بسته، نگهداری سر کوچه، محدود کردن عبور و مرور افراد به داخل کوچه و نظایر آن، جهت تامین امنیت و ارتقاء احساس امنیت ساکنین، ضروری به نظر می رسد.	نقش کنترل بیرونی بر ادراک امنیت ۴ ۱۹-۲۱

عوامل	رویکردها
احساس مالکی نسبت به قلمرو از ویژگی‌های ضروری و شاخص یک قلمرو به‌شمار می‌رود. لذا هرچه قدر فرد نسبت به محیط زندگی و قلمرو خویش احساس تعلق بیش‌تری داشته باشد، از نشانه‌های هویتی بیش‌تری برای نمایش مالکیت خود نسبت به محیط استفاده خواهد کرد.	نقش مالیکت بر هویت ۵ ۱۱-۴
از آن‌جا که احساس راحتی در محیط برای فرد با میزان احساس مالکیت او، رابطه مستقیم دارد، لذا هرچه قدر فرد در قلمرو خود احساس راحتی بیش‌تری داشته باشد، احساس مالکیت او بالاتر خواهد بود. لذا کنترل خود را برای تامین احساس راحتی و امنیت و غیره در محدوده قلمرو خود، ارتقا خواهد داد.	نقش ادراک (راحتی) بر کنترل محیط ۶ ۱۶-۸-۱۸

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تاییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

پی‌نوشت

- Jung
- علوم انسانی به‌معنای کنونی، ابتدا در اواخر قرن ۱۹ توسط ویلهلم دیلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱) فیلسوف آلمانی مطرح شد، اما دستاوردهای عینی علوم تجربی در دوران مدرن سبب مغفول ماندن علوم انسانی تا اوایل دهه ۱۹۶۰ گردید.
- Need
- بنیان اساسی نظریه مازلو «طبیعت ذاتی» انسان است. او با ثابت فرض کردن طبیعت انسانی، تلاش خود را به مطالعه علمی آن (مشابه علوم تجربی) معطوف کرد. تلاش وی با انتقاداتی از جانب سایر محققین مواجه شد. گروهی اولویت دادن به نیازهای فیزیولوژیک (Krech, Crutchfield, and Ballachey 1962; 1976 Wahba and Bridwell)، گروهی «جهانی فرض‌شدن» رفتار انسان (Springborg 1981; Fitzgerald 1977)، گروهی دیگر بی‌توجهی به لزوم برقراری «ارتباط اجتماعی» در مسیر تامین کلیه نیازها را مورد نقد قرار دادند.

5. Tool Making

6. Abstraction of Thought


7. Learning Over Instinct
8. Change in Behavior along Life Cycle
9. Cognition
10. Mental Pattern
11. Open Coding
12. Axial Coding

فهرست منابع

- Abbasi, Zahra, Farah Habibi, and Mostafa Mokhtabad Amroii. 2018. "New Interpretation of Sensory Perception in Iranian-Islamic Architecture of Bazaar: A Case Study of Bazaar of Kashan". *Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning* 8(2): 81-90. <https://www.sid.ir/paper/249077/fa>
- Altman, Irwin. 1975. "The Environment and Social Behavior". Monterey, CA. Brooks/Cole.
- Anburaj Balraj, Noah. 2017. "Foundational Elements of Maslow's Hierarchy of Needs and Jesus Christ's Teachings of Human Need Management". *Human behavior, Development, Society journal* 15(1). <https://so01.tci-thaijo.org/index.php/hbds/article/view/180612>
- Appleyard, Donald, Sue Gerson, and Mark Lintell. 1982. "Livable Streets". *Town Planning Review* 53(2). <https://doi.org/10.3828/tpr.53.2.rnx545k05475162>
- Bakhtiarmanesh, Elham. 2016. "Reinforcing Balanced Sensory Cognition in Architectural Education". *Soffeh Journal* 26(2): 21-38. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100312.html?lang=en. [in Persian]
- Banerjee, Tridib, and William C. Baer. 1984. "Beyond the Neighborhood Unit /Residential Environments and Public Policy". NY: Springer New York. <https://doi.org/10.1007/978-1-4757-9418-2>
- Bell, Paul A., Jeffrey D. Fisher, Andrew S. Baum, and Thomas C. Greene. 1990. "Environmental Psychology". New York: Harcourt College Publishers.
- Boros, Smaranda. 2006. "Q-methodology: Applications and Implications". Invited lecture at the Research Colloquium of the Department of Organizational Studies, Tilburg University. https://pure.uvt.nl/ws/files/1118656/OW_Boros_Identity_Sage_2009.pdf
- Brower, Sidney N. 1980. "Territory in Urban Settings". Part of the book series: Human Behavior and Environment 4: 179-207.
- Brown, Barbara. 1987. "Territoriality". *Handbook of environmental psychology* 1: 505-531.
- Brown, Steven R. 1993. "A primer on Q methodology". *Operant subjectivity journal* 16(3/4): 91-138. https://scholar.google.com/citations?view_op=view_citation&hl=en&user=DsrN4j8AAAAAJ&citation_for_view=DsrN4j8AAAAAJ:R3hNpaxXUHUC
- Bruner, Jerome S., and L. Postman. 1949. "Perception, cognition and behavior". *Journal of personality* 18(1).
- Castells, Manuel. 2010. "The Information Age: Economy, Society, and Culture (Second edition)". Malden, MA: Wiley-Blackwell. https://urb.bme.hu/wpcontent/uploads/2014/05/manuel_castells_the_rise_of_the_network_societybookfi-org.compressed.pdf
- Corr, Susan. 2001. "An Introduction to Q Methodology, a Research Technique". *British Journal of Occupational Therapy* 64(6): 293-297. https://www.researchgate.net/publication/232708236_An_Introduction_to_Q_Methodology_a_Research_Technique
- Crandall, Alice Ann, Elizabeth A. Powell, Grace C. Bradford, and Carl L. Hanson. 2020. "Maslow's Hierarchy of Needs as a Framework for Understanding Adolescent Depressive Symptoms Over Time". *Journal of Child and Family Studies* 29(4): 1-9. <http://hdl.lib.byu.edu/1877/7800>
- Davis, Kate. 1972. "Human Behavior at Work: Human Relations and Organizational Behavior". New York: McGraw-Hill.
- Deci, Edward L., Andrew J. Schwartz, Iliya L. Sheinman, and Richard M. Ryan. 1981. "An instrument to assess adults orientations toward control versus autonomy with children, Reflections on intrinsic motivation and perceived competence". *Journal of Educational Psychology* 73(5): 642-650. <https://doi.org/10.1037/0022-0663.73.5.642>
- Doyal, Len, and Ian Gough. 1991. "A Theory of Human Need". England. Basingstoke: Guilford Press.
- Edney, Julian J. 1976. "Human territories, comment on functional properties". *Environment and Behavior journal* 8: 31-47. <http://dx.doi.org/10.1177/001391657600800103>
- Ekhtiari, Maryam. 2012. "The Impact of Human Needs and Desires on Architecture". *Soffeh Journal* 22(57): 31. <https://www.magiran.com/p1720003>. [in Persian]
- Gadamer, Hans-Georg. 1975. "Truth and Method". New York: Seabury Press.
- Gehl, Jan. 2011. "Life Between Buildings: Using Public Space". Translated by Ali Akbari, Fereshte Karamian and Nâstern Mehrabi. Tehran: Parham Naqsh publication. [in Persian]
- Gifford, Robert. 1987. "Environmental psychology, Principles and practice". Boston: Allyn & Bacon.
- Gold, John R. 2020. "Human territoriality, three integrating perspectives". *Progress in Human Geography* 6(1): 44-67. https://www.researchgate.net/publication/345979239_Territoriality_and_human_spatial_behaviour
- Habraken, N. John. 2000. "The structure of the ordinary, form and control in the built environment". MIT press.
- Hall, Edward T. 1959. "The silent language". New York: Doubleday.
- Hall, Edward T. 1969. "The hidden dimension". New York: Anchor.
- Haron, Syarmila. 2018. "Territorial Functioning and Victimization in Housing Area". *2nd International Conference on Architecture and Civil Engineering, IOP Conference Series Materials Science and Engineering*. <https://doi.org/10.1088/1757-8998/262/1/012001>

- www.researchgate.net/publication/328030299_Territorial_Functioning_and_Victimization_in_Housing_Area
- Harris, Phill. 2020. "Maslow, Abraham (1908–1970) and Hierarchy of Needs". The Palgrave Encyclopedia of Interest Groups, Lobbying and Public Affairs. Business Research Institute: University of Chester.
 - Harris, Howard, and Alan Lipman. 1980. "Social symbolism and space usage in daily life". *Sociological Review* 28(2): 415-428. <https://doi.org/10.1111/j.1467-954X.1980.tb00371.x>
 - Haque, Mohammad Faizul, Mohammad Aminul Haque, and Md Shamimul Islam. 2014. "Motivational Theories– A Critical Analysis". *ASA University Review* 8(1). https://www.researchgate.net/publication/306255973_Motivational_Theories_-_A_Critical_Analysis
 - Hazreena, Hussein 2010. "Using the sensory garden as a tool to enhance the educational development and social interaction of children with special needs". *Support for learning journal* 25(1): 25-31. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9604.2009.01435.x>
 - Herzberg, Frederick. 2003. "One more time, how do you motivate employees?" *Harvard Business Review journal* 46(1): 53-62. <https://hbr.org/2003/01/one-more-time-how-do-you-motivate-employees>
 - Hirschon, Renee B., and John R. Gold. 1982. "Territorial and home environment in a Greek urban community". *Anthropological Quarterly journal* 55(2): 63-73. https://www.researchgate.net/publication/271816625_Territoriality_and_the_Home_Environment_in_a_Greek_Urban_Community
 - Huitt, William. 2007. "Maslow's Hierarchy of Needs". Educational Psychology Interactive. Valdošta, GA. aldošta State University. <http://www.edpsycinteractive.org/topics/conation/maslow.html>
 - Irvani, Mahmud, and Mohammad Karim Khodapanahi. 2000. "Sensation and Perception".
 - Jacobs, Jane. 2007. "The Death and Life of Great American Cities". Translated by Hamidreza Parsi and Arzoo Platoni. Tehran: University of Tehran publication. [in Persian]
 - Jerome S. Bruner, and Leo Postman. 1949. "Perception, cognition and behavior". *Journal of Personality* 18(1): 14. <https://openurl.ebsco.com/EPDB%3Aagcd%3A9%3A8430649/detailv2?sid=ebsco%3Aplink%3Ascholar&id=ebsco%3Aagcd%3A8930444&crl=c>
 - Khoshgoyan Fard, Alireza. 2006. "Q methodology". Tehran: Islamic Republic of Iran Broadcasting Research Center (Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization). [in Persian]
 - Kintrea, Keith, Jon Bannister, and Jon Pickering. 2010. "Territoriality and disadvantage among young people, an exploratory study of six British neighbourhoods". *Journal of Housing and the Built Environment* 25(4): 447-465. https://www.researchgate.net/publication/227084340_Territoriality_and_disadvantage_among_young_people_An_exploratory_study_of_six_British_neighbourhoods
 - Kitzinger, Celia. 1999. "Researching subjectivity and diversity, Q-Methodology in Feminist Psychology". *Psychology of Women Quarterly journal* 23(2): 267-276. <https://doi.org/10.1111/j.1471-6402.1999.tb00358.x>
 - Krech, David, Richard S. Crutchfield, and Egerton L. Ballachey. 1962. "INDIVIDUAL IN SOCIETY: A TEXTBOOK OF SOCIAL PSYCHOLOGY. A major revision of Theory and Problems of Social Psychology". Translated By Mahmoud Sanai. Tehran: Zovar Publications. <https://archive.org/details/in.ernet.dli.2015.199566/page/n1/mode/2up>
 - Landry, Charles. 2006. "The Art of City Making". London: Earthscan
 - Lang, Peter J. 1994. "The varieties of emotional experience, A meditation on James-Lange theory". *Psychological Review journal* 101(2): 211-221. <https://doi.org/10.1037/0033-295X.101.2.211>
 - Le Corbusier. 1998. "La Carta datene: Manifesto e frammento dell'urbanistica moderna". Translated by Majid-Mansour Flamaki. Tehran: Faza Publication. [in Persian]
 - Le Corbusier. 1986. "Vers une architecture". Translated by Mohammad Reza Jodat. Tehran: Armanshahr Publication. [in Persian]
 - Lussier, Kira. 2019. "Of Maslow, motives, and managers, The hierarchy of needs in American business, 1960-1985". *Journal of the history of the behavioral sciences* 55(4): 319-341. <https://doi.org/10.1002/jhbs.21992>
 - Lynch, Kevin. 1981. "A theory of good city form". Translated by Seyed Hossein Bahraini. Tehran: Tehran University Publications. [in Persian]
 - Madanipour, Ali. 2008. "Public and private spaces of the city". Translated by Farshad Noorian. Tehran: Processing and urban planning. [in Persian]
 - Maslow, Abraham H. 1987. "Motivation and personality (3rded.)". Harper & Row Publishers.
 - Merleau Ponty, Maurice. 2005. "Phenomenology of Perception (2nded.)". London: Routledge & Kegan Paul. <https://doi.org/10.4324/9780203994610>
 - Maslow, Abraham H. 2012. "A Theory of Human Motivation". Originally Published in *Psychological Review(1943)* 50: 370-396. <https://www.researchhistory.org/2012/06/16/maslows-hierarchy-of-needs/>
 - Mullins, Laurie J. 2007. "Organisational Behaviour (4th Ed)". New York: Pearson Education.
 - Nouri, Ruhollah, and Mohammad Reza Rikhtegaran. 2012. "Wilhelm Dilthey's role in founding human sciences and defending its objectivity". *Journal of Basic Western Studies* 3(1): 109-126. https://occidentstudy.iics.ac.ir/article_594.html. [in Persian]

- Passi, Anssi. 2003. "A Companion to Political Geography, Chapter8: Territory". 1st Ed. Wiley. <https://doi.org/10.1002/9780470998946.ch8>
- Paştalan, Leon A. 1970. "Privacy as an expression of human territoriality. In *Spatial behavior of older people*, edited by L. A. Paştalan and D. H. Carson. University of Michigan press: Ann Arbor.
- Porteous, J. Douglas. 1971. "Design with People: The Quality of Urban Environments. Environment and Behavior". *Journal of Environment and behavior* 3(2): 78-155. <https://doi.org/10.1177/001391657100300204>
- Purdeihimi, Shahram. 2015. "The Human Aspect of Housing Environment". Tehran: ArmanShahr. [in Persian].
- Ranjbar, Hadi, Ali Akbar Haghdoost, Mahvash Salsali, Alireza Khoshdel, Mohammadali Soleimani, and Nasim Bahrami. 2012. "Sampling in Qualitative Research: a Guide for Beginning". *Annals of Military and Health Sciences Research Journal* 10(3): 238-250. <https://sid.ir/paper/96654/fa>. [in Persian].
- Sack, Robert David. 1986. "Human Territoriality: Its Theory and History". Cambridge: Cambridge University Press.
- Saghatoleslami, Amidoleslam, Seyedeh Negar Hosseinian, and Maryam Behnami Fard. 2014. "An Analytical Study on Boundaries of Administrative-defined Neighborhoods Using Residents' Cognitive Maps (Case study: Mashhad Municipality Neighborhoods, Iran)". *International Journal of Architecture and Urban Development* 4(2): 77-88. https://journals.srbiau.ac.ir/article_2887.html
- Saif, Ali Akbar. 2013. "Modern educational psychology". Tehran: Duran Publications. [in Persian]
- Salehiniya, Majid, and Mahdiyeh Niroumand Shishavan. 2018. "Explaining the role of sensoryscape components based on senses In quality of environmental sensory perception of New Arg of Tabriz". *Studies On Iranian-Islamic City journal* 8(31): 19-32. <https://www.magiran.com/p1867017>. [in Persian]
- Salingaros, Nikos A. 2000. "The Structure of Pattern Languages". *Architectural Research Quarterly journal* 4(2): 149-162. https://www.researchgate.net/publication/231886614_The_structure_of_pattern_languages
- Salingaros, Nikos Angelos. 2006. "A Theory of architecture". Translated by zahir Mottaki and Saeed Zarrin Mehr. Tehran: Urban Planning and Architecture Research Center of Iran. [in Persian].
- Sarmadi, Sadaf, Azadeh Shahcheraghi, and Leila Karimifard. 2020. "Perceiving Landscape Process Based on Sensory and Intellectual Perceptions". *Bagh-e Nazar Journal* 17(88): 27-38. <https://www.sid.ir/paper/373690/fa>. [in Persian]
- Sell, James Lee. 1983. "Territoriality and children's experience of the neighborhood". PHD Thesis. Department of Geography, The University of Arizona.
- Sharifipour, Shahin. 2017. "Explaining the concept of territory and factors related to it". In *Proceedings of the International Conference on Contemporary Iran in Civil Engineering, Architecture and Urban Development*. <https://civilica.com/doc/709578>. [in Persian]
- Sharqi, Ali, Sharif Matuf, and Saeed Asadi. 2017. "Analysis of the role of risk perception on environmental behavior during earthquakes in Ganj Alikhan complex and Kerman Bazaar". *Studies On Iranian -Islamic City Journal* 7(28): 77- 85. <https://www.magiran.com/p1780235>. [in Persian]
- Shirazi, Mohammad Reza, Marzieh Khameneh-Dabaghi, and Faryal Ahmadi. 2010. "The architecture of the senses and the subtle phenomenology of Juhani Uolevi Pallasmaa". Tehran: Rokhdad-e No. [in Persian]
- Soheili, Jamaledin, Mehdi Khakzand, and Rasool Pahlavanpour. 2019. "Analyzing the effect of sensory perception on increasing the sense of satisfaction in neighborhood mosques with the approach of presenting global models of Iranian-Islamic architecture (a case study of neighborhood mosques in Qazvin)". *Islamic Iranian Pattern of Progress Model Journal* 7(13): 179-209. <https://www.magiran.com/p2110035>. [in Persian]
- Sommer, Robert. 1969. "Personal space". Englewood Cliffs, N.J., Prentice-Hall.
- Taormina, Robert J., and Jennifer H. Gao. 2013. "Maslow and the Motivation Hierarchy, Measuring Satisfaction of the Needs". *The American Journal of Psychology* 126(2): 155-177. DOI: [10.5406/amerjpsyc.126.2.0155](https://doi.org/10.5406/amerjpsyc.126.2.0155)
- Tay, Louis, and Ed Diener. 2011. "Needs and subjective well-being around the world". *Journal of Personality and Social Psychology* 101(2): 354-365. <https://www.apa.org/pubs/journals/releases/psp-101-2-354.pdf>
- Taylor, Ralph B., and Debra Kaye Brooks. 1980. "Temporary territories, Responses to intrusions in a public setting". *Population and Environment journal* 3(2): 135-145. <https://www.jstor.org/stable/27502902>
- Taylor, Ralph B. 1988. "Human territorial functioning, An empirical, evolutionary perspective on individual and small group territorial cognitions, behaviors and consequences". Cambridge: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511571237>
- Van Manen, Max. 1990. "Researching the lived experience, Human sciences for an action sensitive pedagogy". State University of New York Press.
- Van Vliet, William. 1983. "Exploring the Fourth Environment an Examination of the Home Range of City and Suburban Teenagers". *Environment and Behavior journal* 15(5): 567-588. https://www.researchgate.net/publication/249623909_Exploring_the_Fourth_EnvironmentAn_Examination_of_the_Home_Range_of_City_and_Suburban_Teenagers

<p style="text-align: center;">نحوه ارجاع به این مقاله</p> <p>حسین آبادی، سمانه، شهرام پوردیهیمی، و بهرام صالح صدق پور. ۱۴۰۳. تبیین اثر تجربه زیسته بر عملکرد قلمرویی ساکنین در قلمرو ثانویه افراد (از نگاه متخصصین). نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۷(۴۸): ۱۵-۳۴.</p> <p>DOI: 10.22034/AAUD.2023.353521.2692 URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_178606.html</p>	
<p>COPYRIGHTS</p> <p>Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.</p> <p>http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/</p>	